



Analyzing the Concept of Architectural Episteme in Fusion with Media in Anthropocene Era

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Study

Authors

Elahe Faregh¹
Simak Panahi^{2*}
Etrat LaalBakhsh³
Mahmoud Rezaee⁴

How to cite this article

Falaha

URL: <http://>

ABSTRACT

Aims: This research aims to plan a new intellectual system in the interdisciplinary space of two social phenomena, media and architecture, with the help of theorizing based on paradigm rethinking and with the aim of creating a concept. It requires understanding the meaning of episteme in Foucault's literature, temporal identification, i.e. the age of the current media leap: the Anthropocene era, and the description of the communication model, i.e. fusion.

Methods: With an approach based on the paradigm of modern materialism and using an algorithm inspired by Peirce's method, the theories of the field of media and architecture are taken as data and combined with analogy and induction, and the results are analyzed. A report is created. Considering the extent of this system, the writer has used the data combination of McLuhan's theories, the philosopher of the media age, with architectural data by designing an example.

Findings: The findings obtained from the research of historical theories in the field of media and architecture form a system of conceptual propositions in a post-qualitative context and by using the writer's creativity.

Conclusion: This research indicates the possibility of military creation of knowledge based on a rhizomatic report that can be read with Foucault's literature called architectural episteme in combination with media in the Anthropocene era, which can be analyzed in the context of the research approach and can probably be considered as a legacy of contemporary architecture to establish a fundamental structure in interdisciplinary studies in the field of media and architecture.

Keywords: Episteme, Architecture, Fusion, Anthropocene era, Media, Contemporary Architecture, Architectural Theories, Modern Architecture

CITATION LINKS

1- PhD Student of Architecture, Department of Architecture and Environment Design, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2-3-Assistant Professor of Architecture, Department of Architecture and Environment Design, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

4- Associate Professor, Department of Architecture and Environment Design, Tehran Central Branch, Azad Islamic University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Department of Architecture and Environment Design, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
Email:
siamak_architecture@yahoo.com

Article History

Received:
Accepted:
Published:

[1]. Logan RK. McLuhan's philosophy of media ecology: An introduction. [2]. Nesbitt K. Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of....[3]. Wang M, Xie Y, Guo X, Fu H. Interdisciplinarity in the Built Environment:....[4]. Keane J, Selinger E. Architecture and philosophy: Reflections on Arakawa and....[5]. Pipere A, Märtinson K. Shaping an Image of Science in the 21st Century...[6]. Al-Rodhan N. Why Architects Need Philosophy to Guide the AI Design Revolution....[7]. Olkowski DE. Deleuze, Collaborations with Félix Guattari. In: Deleuze, Gilles....[8]. Parker S. Reflective teaching in the postmodern world. 1st ed. London: Routledge....[9]. Srnicek N, Bryant L, Harman G. Towards a Speculative Philosophy. The Speculative Turn: Continental Materialism and Realism...[10]. St. Pierre EA. Writing post qualitative inquiry. *Qualitative inquiry*. 2018...[11]. St. Pierre EA, Jackson AY. Qualitative data analysis after coding. *Qualitative*...[12]. Eco U. 2. Function and Sign: Semiotics of Architecture. In: Gottdiener M, Lagopoulos A (ed.) The City and the Sign: An Introduction to Urban Semiotics...[13]. Mathew A. Architecture as a Communicative Medium. *Enquiry The*....[14]. Monserrat-Gauchi J, Novo-Domínguez M, Torres-Valdés R. Interrelations....[15]. Jelić A, Tieri G, De Matteis F, Babiloni F, Vecchiato G. The enactive approach to....[16]. Abdulzahra G.N., Al Greiza, A.A.H. The coexistence of opposites in,,, [18]. Lyotard JF. The Postmodern Condition: A Report on Knowledge. Manchester University Press. 1984. [19]. Levin I, Mamlok D. Culture and society in the digital age. Information. [20]. Jencks C. Postmodern and late modern: The essential definitions...[21]. Miike Y. An



واکاوی مفهوم معماری در امتزاج با رسانه در جهان معاصر

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق بنیادی

نویسندگان

الیه فارغ^۱

سیامک پناهی^{۲*}

عترت لعل بخش^۳

محمود رضایی^۴

اهداف: پژوهش بر آنست تا با توجه به گسترش مرزهای دانش معماری معاصر و ضرورت رویکردهای میان رشته ای بر آن و با کمک نظریه پردازی مبتنی بر بازاندیشی پارادایم و با هدف خلق مفهوم، نظام فکری جدیدی در فضای میان رشته ای از دو پدیده اجتماعی رسانه و معماری طرح ریزی نماید که واکاوی مفهوم خلق شده مستلزم درک معنای اپیستم به ادبیات فوکویی، تشخیص زمانی یعنی عصر جهش رسانه ای حاضر، عصر آنترپوسین و تشریح مدل ارتباطی یعنی امتزاج است.

روش ها: با رویکردی برخوردار از پارادایم ماده گرایی نوین و با استفاده از الگوریتمی ملهم از شیوه پیرس، نظریات حوزه رسانه و معماری به مثابه داده و با قیاس و استقرا ترکیب و نتایج پس کاوی می شوند. سپس به شیوه پساکیفی مفاهیم جدید در قالب یک گزارش خلق می شوند. با توجه به گستره این نظام، با طرح چند مثال از امتزاج داده های نظریات رسانه ای در نظریه پذیرفته در پژوهش (معماری به مثابه رسانه) بهره گرفته شده است.

یافته ها: یافته های ماخوذ از پس کاوی نظریات تاریخی حوزه رسانه و معماری، شکل دهنده سامانی از گزاره های مفهومی در بستر پساکیفی و با بکارگیری خلاقیت نگارنده را می دهند.

نتیجه گیری: این پژوهش حاکی از امکان خلق نظامی دانایی بر مبنای گزارشی ریزوماتیک را می دهند که می تواند با ادبیات فوکویی به نام اپیستمه معماری در امتزاج با رسانه در عصر آنترپوسین خوانده شود که در بستر رویکرد پژوهش قابل واکاوی است و احتمالا می تواند به عنوان میراثی از معماری معاصر، ساختاری بنیادین در مطالعات میان رشته ای از حوزه رسانه و معماری را پی ریزی نماید.

کلیدواژه ها: اپیستمه، معماری، امتزاج، عصر آنترپوسین، رسانه، معماری معاصر، مبانی نظری معماری، معماری مدرن

- ۱- دانشکده معماری و شهرسازی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۲. دانشکده معماری و شهرسازی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)
- ۳- استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران
۴. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسئول *

Siamak_architecture@yahoo.com

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

ارجاع دهی

URL: <http://>

مقدمه

با ورود به قرن ۲۱ جهان شاهد تغییر و تحولات لحظه‌ای شد که سرعت بالای تولید علوم مختلف و انفجار تکنولوژی و اطلاعات، سرعت بخشی در درک معنایی جدید از معماری و بازیابی مفاهیم جدید را ضروری برمی‌شمارد. "رسانه‌ها نه تنها انتقال دهنده پیام هستند بلکه به شیوه‌ای بنیادین، واقعیات و فرهنگ بشر را شکل خواهند داد و به تغییرات عمیق در جوامع انسانی دامن خواهند زد" [۱]. فضای نظریه ورزی معماری در عصر حاضر به لطف فناوری‌های متعدد و گستره اطلاعات ماهیت چندگانه یافته است. نسبت معتقد است که از میانه دهه ۱۹۶۰ نظریه معماری در حقیقت میان رشته‌ای می‌شود و بر دامنه گسترده‌ای از الگوهای انتقادی متکی می‌گردد [۲]. "پژوهش‌های میان رشته‌ای به یک پارادایم غالب در تحقیقات تبدیل شده‌اند و به عنوان مکانیسمی حیاتی برای پیشبرد تحقیقات بنیادین، پرورش نوآوری‌های اصلی و تحول آفرین و تسهیل توسعه فناوری‌های نوین عمل میکنند" [۳]. فلذا پژوهشگران حوزه معماری را بر آن می‌دارد که درک نوینی از رویکردهای بینا رشته‌ای بیابند. "به طور مثال رویارویی و هم‌آوایی معماری با فلسفه زمینه‌ساز بازاندیشی در دانش معماری می‌شود و امکان ارایه مفاهیم نوین در رابطه با فضا، مکان و تجربه انسانی را فراهم می‌نماید" [۴]. این ارتباط تنگاتنگ مفاهیم و اندیشه‌های علوم انسانی با معماری منجر به خوانش‌های جدیدی شده و رد پای آن در شکل دهی معماری مشهود است که هم به صورت فصل مشترک بین معماری و سایر علوم انسانی و هم به عنوان رویکردی جدید در ادبیات پژوهشی معماری رخ می‌نماید.

آنچنان که رسانه‌های جدید، رایانه، شکل‌گیری دهکده جهانی و سرعت در انتقال اطلاعات؛ امکان گردآوری و بازخوانی‌های جدید و متنوع را نسبت به هر یک از پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌سازد، نفسیر و معنا سازی برای هر پدیده اجتماعی مانند معماری در عصر رسانه از توجه ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. با این وصف بررسی معماری از منظر علوم رسانه‌ای و تجزیه و تحلیل آن می‌تواند سر منشا شکل‌گیری اندیشه‌ها و فرضیات جدید در حوزه نظریه ورزی معماری، خلق مفهوم و طراحی گردد. یافت فصل مشترک رسانه و معماری و نحوه

هم افزایی آنها متعاقباً می‌تواند بر افزایش بازدهی و کارکرد فایق آید و عدم توجه لازم به این فرآیند می‌تواند سبب بروز اشکالات در حوزه حرفه‌ای، اجتماعی و... معماری شود. از سوی دیگر از آنجاکه هر گونه شناخت نظری مستلزم مفهوم سازی است، تغییر یا تحول در شناخت مستلزم تغییر یا تحول در مفاهیم است. "مواجهه و تعامل با نظام مفاهیم به ویژه از منظر متامدرنیسم، دیدگاه‌های نوینی را در زمینه علم و تحقیق ایجاد میکند. این تعامل نه تنها فلسفه‌های جدید را در علوم مختلف به جریان می‌اندازد بلکه به گونه‌ای ساختارهای علمی را متحول میکند و راه‌های جدید برای درک و گسترش علم ارایه میدهد." [۵]. در عصر رسانه‌ای حاضر ماهیت در حال تغییر شناخت و اندیشه معماری به تحولات مفهومی پی در پی می‌انجامد و تغییر در گستره معنایی مفاهیم پیشین را موجب می‌شود. مبتنی بر چنین نگرشی، مفاهیم معماری در عصر رقابت رسانه‌ای، پیوسته در حال دگرگونی است که این تحول مبتنی بر تغییرات فناوری است. "با پیشرفت فناوری و ظهور ابزارهای جدید، معماری نیز به طور مداوم دچار تحول گردیده و این تغییرات باعث دگرگونی‌های عمیق در مفاهیم و فلسفه‌های معماری می‌گردد" [۶]. این مقاله با توجه به خلا نظری در حوزه میان رشته‌ای رسانه و معماری معاصر و با هدف تولید دانش، به دنبال خلق مفهوم از هم افزایی آنهاست. به زعم دلوز و گواتاری فلسفه هنر ایجاد و خلق مفاهیم است. آنها معتقدند مفاهیم نه به صورت آماده و از پیش ساخته شده بلکه باید خلق شوند و این فرآیند از یک شخصیت فلسفی بیرون می‌آید. "خلق مفاهیم فرایندی است که شکلی از آینده، جهانی جدید و مردمی جدید را فرا می‌خواند که تاکنون نبودند" [۷]. نهایتاً پژوهش بر آنست تا با مطالعه سابقه حوزه نظری در حیطه رسانه و معماری، فرایندی برای تعریف شاه کلید ادغام و طرح مسئله میان این دو پدیده اجتماعی نماید تا با توجه به گسترش مرزهای دانش معماری و با کمک نظریه پردازی مبتنی بر بازاندیشی پارادایم (هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی) مفهومی از امتزاج رسانه با معماری خلق گردد که راهگشای تحقیقات و مدل‌های عملیاتی آتی در عصر رقابت انواع رسانه‌ها باشد. "حقایقی که در جهان وجود دارد ناقص و واقعیات نیز غیر مشترک است. جهان ساخته شده، نه اینکه کشف شده باشد" [۸].

مواد و روش‌ها

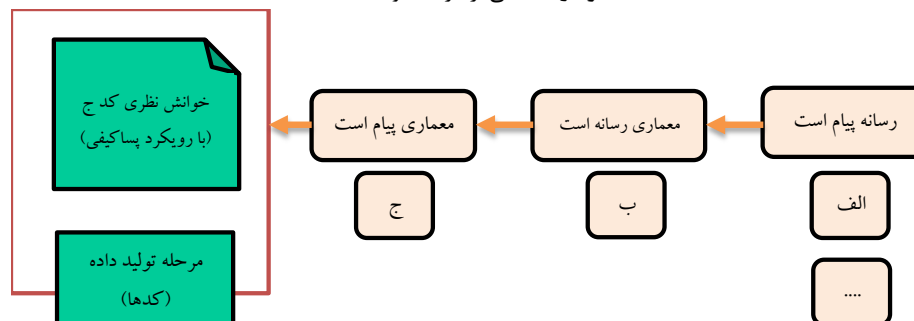
۱- **روش شناسی:** با توجه به ماهیت نوین پژوهش، بررسی‌های گوناگون در پارادایم‌های روش شناسی نشان داد روش پسا کیفی که رویکردی جدید در تحقیقات پسامدرن و در عرصه بین رشته‌ای است، ظرفیت‌های لازم برای پاسخ به نیازهای کنونی پژوهش را دارد. "بحران زیست محیطی، حرکت رو به جلوی علوم اعصاب، تفسیرهای فزاینده متلاشی از فیزیک پایه و نقض مداوم شکاف بین انسان و ماشین یک احساس رو به رشد است که فلسفه‌های قبلی قادر به مقابله با این حوادث نیستند" [۹].

مفهوم پساکیفی در سال ۲۰۱۰ توسط الیزابت ای. استی پیر ابداع شد. "ایده اصلی واحد مفهومی پساکیفی به چرخش مفهومی پسا یا پس از اشاره دارد. مفهوم پسا نشان از تلاش برای تجربه وضعیتی پس از موقعیت تاریخی اکنون است. در چرخش مفهومی پسا در زمان حال به دنبال چیری هستیم که در حال آمدن و شدن است و اینکه چگونه جرات می‌کنیم پژوهشگر به مثابه فاعل مستقل را از میدان پژوهش حذف کنیم" [۱۰]. روش پساکیفی در پی رد کردن روش کیفی نیست بلکه رویکردی است تا با تجدید موقعیت هستی‌شناسی، مطالعات فرهنگی را آماده تولید دانش برای دستیابی به آینده کند. نظر به افق رو به رشد توسعه رسانه‌ها در زندگی بشر و متعاقباً تأثیرات همه جانبه بر انسان و محیط انسان ساخت، لزوم انتخاب رویکردهای مناسب در پاسخگویی به نیاز آینده در تولید دانش و پیش بینی فرآیند ضروری است. "روش پساکیفی مبتنی بر خلق مفاهیم برآمده از میدان پژوهش است و میدان پژوهش درصدد باز کردن دروازه‌های خود به سوی ایده‌های جدید است تا با هر تغییر جدید حرکت کند" [۱۱]. روش پساکیفی برآمده از چرخش نظام هستی‌شناسی و

معرفت‌شناسی در نیمه دوم قرن بیستم است که با ادراکی برخاسته از فیزیک کوانتومی در پارادایم ماده‌گرایی نوین، جهان هستی را درون جریانی از نیروهای مختلف و دارای تأثیر متقابل می‌انگارد و هستی‌شناسی استعلایی جهان را بین فیزیک - متافیزیک، ذهن - بدن و سوژه - ابژه تقسیم نمی‌کند بلکه هستی یک «درون جریان» است. که هیچ چیز خارج از میدان روابط وجود ندارد و درین میدان کوانتومی، نسبت شدت بین نیروها اهمیت دارد.

سه بخش اصلی میدان پژوهش پساکیفی: ۱. جمع‌آوری داده‌ها ۲. تحلیل داده‌ها و ۳. گزارش پژوهش به گونه‌ای ترتیب داده می‌شود تا بتوانند با نیروهای تشکیل دهنده پدیده در هم تنیده شود. مفهوم سازی ناگزیر از ساده سازی و انتزاع است فلذا داده‌ها در تعریف این نظام دانایی، نظریات تاریخی حوزه رسانه هستند که به مثابه داده و به شیوه نظریه پذیرفته شده در پژوهش در بستر معماری ملهم از شیوه پیرس، قیاس و استقرا شده و سپس با رویکرد پساکیفی نظریات جدید از آنها خلق مفهوم خواهند شد (نمودار ۱). نظریه به مثابه داده، رویکرد متفاوتی در شیوه پساکیفی در میدان پژوهش دارد. بطور معمول در نوشتن نظریه، ایده‌های نظریه پرداز شرح داده می‌شوند اما در روش پساکیفی، مفاهیمی از نظریات که امکان خلق ایده‌های جدید را دارند به کار گرفته می‌شوند. بنابراین مفاهیم درون نظریه تشریح گردیده و از مفاهیم نظریه‌های دیگر که ظرفیت برقراری پیوند را دارند بهره گرفته می‌شود. این روش رونویسی یا بازتوصیف از نظریات نیست بلکه مفهوم پردازی است و پردازش و خلق مفاهیم مبتنی بر خوانش نظری است. آنگاه از ترکیب ایده‌های نظری در میدان پژوهش در هم تنیدگی مفهومی رخ می‌دهد. در نتیجه گام اساسی در این روش تولید داده‌هاست.

نمودار ۱: مثالی از مرحله تولید داده



۲- تعریف مفاهیم نظری

نظریه پذیرفته شده در پژوهش

وفق یافتن حلقه آغازین مبحث با توجه به مطالعات صورت گرفته و تعاریف موجود، نظریه‌ی معماری به مثابه یک رسانه مورد قبول و مبنای روند پژوهش است. امبرتو اکو، نشانه شناس ایتالیایی، معماری را موردی خاص میداند که به نظر می‌رسد در حالت اولیه و ابتدایی خود کاملاً کاربردی باشد و نقش ارتباطی نداشته باشد. با این وجود او معتقد است که معماری شبیه به یک وسیله‌ی ارتباط جمعی عمل می‌کند [۱۲].

"انسان میتواند به درک مناسبی از رابطه‌ی خود با معماری محیط اطرافش برسد چرا که با مشاهده‌ی آن سرنخ‌ها و نشانه‌هایی را دریافت کرده و سعی می‌کند با اطلاعات و خاطرات خود به آن نظم ببخشد و کل محیط را فرمول بندی نمایند. بنابراین انسان قادر به ایجاد ارتباط با محیطی است که در آن زندگی می‌کند و محیط اطرافش نیز قادر است به عنوان واسطه، به تبادل اطلاعات با او بپردازد" [۱۳]. معماری چه به عنوان مأوایی برای بقای بشر و چه فراتر از آن در قالب یک رسانه به واسطه کالبد خود کدهای نمادین از ارزش‌ها، ویژگی‌ها و اندیشه‌های جامعه را با افراد و مخاطبانش به اشتراک می‌گذارد. "معماری به عنوان یک ابزار ارتباطاتی مشابه سایر رسانه‌ها، در برگیرنده گفت و گویی است که میان ایدیولوژی‌های گذشته و نیازهای معاصر پل می‌زند. این فرآیند بستری را برای ادغام روایت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی با فضاهای مدرن ایجاد میکند و نقش مهمی در تداوم هویت‌های اجتماعی و تاریخی ایفا مینماید." [۱۴].

معماری به عنوان یک فرآیند دلالتی در بستر فرهنگی اش قابل ادراک و واجد معنا است. "معماری نیاز انسان به یافتن معنا، رشد و شکوفایی را تامین می‌نماید به عنوان یک واسطه، درک فضایی و تعامل انسان با محیط پیرامون را تسهیل می‌نماید. یافتن معنای معماری از راه تجربه و ادراک آن به وجود می‌آید" [۱۵]. اثر معماری را میتوان به مثابه یک متن تلقی نمود که حاوی معناست. معماری به عنوان مخزن حاضره جمعی و واسطه‌ای برای انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی بین نسل‌ها عمل میکند. درین راستا معماری همانند یک متن، ایدیولوژی‌ها و سنت‌های زمانه خود را به نمایش می‌گذارد و انتقال میدهد "معماری به عنوان یک متن ارزش‌ها، ایده‌ها و سنت‌های فرهنگی را منتقل مینماید. این متن نه تنها گذشته را بازگو میکند بلکه راه‌هایی برای تعامل معنادار با آن فراهم می‌سازد، به گونه‌ای که روابط میان گذشته و حال تقویت شوند و یک تجربه انسانی فراگیر و مداوم ایجاد شود" [۱۶]. در حقیقت معماری رسانه‌ای است که مجموعه‌ای از پیام‌ها و نشانه‌ها را به منظور برقراری ارتباط بین مخاطبانش در معرض آنها می‌گذارد. به عنوان مثال ساختمان AT&T جانسون (شکل ۱-الف) به عنوان نمادی از پست مدرنیسم، با بازتعریف فرم‌های کلاسیک و استفاده از زبان استعاری، معماری را تبدیل به رسانه‌ای کرد که نه تنها محیطی فیزیکی، بلکه پیامی فرهنگی و تاریخی را به مردم منتقل میکند. ارجاع تاریخی و استفاده از فرم‌های آشنا باعث شد این ساختمان برای عموم مردم قابل فهم باشد و در عین حال در میان گفتمان معماری مدرن جنجال ایجاد کند فلذا به یک رویداد رسانه‌ای تبدیل شد. (شکل ۱-ب)



شکل ۱- الف (راست): ورودی ساختمان AT&T از فیلیپ جانسون که تبدیل به رسانه‌ای در شهر برای آغاز ورود به عرصه پسا مدرن شد. [17]

ب (چپ): نمای ساختمان AT&T از فیلیپ جانسون [17]

رسانه

در عصر آنترپوپوسین، رسانه ها نه تنها انتقال دهنده اطلاعات هستند بلکه در تعریف، تولید و مشروعیت بخشی به دانش نیز نقش اساسی ایفا می نمایند "رسانه ها به عنوان عناصر بنیادین پست مدرنیسم، پارادایم های سنتی و دانش را متحول می سازند و زمینه ای برای درک جدید از واقعیت فراهم مینمایند" [۱۸]. مفهوم هویت در پست مدرنیسم از طریق تعامل با رسانه ها بازتعریف می شود به گونه ای که رسانه ها ابزاری برای بازنمایی و تغییر ساختارهای اجتماعی فراهم می آورند. "رسانه ها نه تنها بازتاب دهنده فرهنگ ها هستند بلکه با ایجاد فضاهای جدید برای تعاملات اجتماعی، مرزهای زمان و مکان را در دوران پست مدرن می شکنند در حقیقت رسانه های نوین مرزهای واقعیت و مجازی را محو کرده و تعاملات اجتماعی را بازتعریف می کنند. ارگانیسم اطلاعاتی، جایی است که افراد به طور عمیق با محیط دیجیتالی خود درهم تنیده هستند. این ارتباط عمیق باعث تغییر در هنجارهای فرهنگی و بازسازی شیوه های ارتباطی شده است" [۱۹]. رسانه در معنای وسیله ای ارتباط جمعی یکی از ارکان مهم کلیدی و عامل رشد دهنده ی پست مدرنیسم بیان شده است. "هنر پست مدرن و معماری متأثر از دهکده جهانی و احساس بی نظیر جهانی شدن است که در آن رسانه های جمعی و بین المللی مرزها را از میان برداشته اند" [۲۰]. تغییرات و جنبش های پس از سال ۱۹۶۰ (عصر آنترپوپوسین) و در نتیجه گذار تفکرات پست مدرن از مرزهای ملی ناشی از تلاش و فشار رسانه ها است که مهم ترین نقش را در گسترش این تفکر داشته اند. رسانه معرف جامعه ی پسا صنعتی است. "نظریات در رسانه، ابزارهایی را برای تحلیل جنبه های گوناگون فعالیت انسانی ارائه می دهند و از طریق تنوع در روش شناسی و دیدگاه های فرهنگی، دیدگاه های جدیدی را در تحقیقات علمی ایجاد می کنند. چنین نظریاتی نه تنها به توضیح پیچیدگی های رسانه ها کمک می کنند بلکه نقش میانجی در ارتباط بین رشته های مختلف علمی دارند" [۲۱]. فلذا برای بررسی دقیق تر حوزه نظری رسانه و با توجه به رویکرد تحقیق که در آن به شیوه پساکیفی، نظریات به مثابه داده های مورد تحلیل انتخاب و گزارشی تحلیلی از پس کاوی جانشینی آنها در نظریه مورد قبول در پژوهش (معماری به

مثابه رسانه) اخذ می شود، شاخص ترین و مطرح ترین نظریات تاریخی جهان در حوزه رسانه ها که در عصر آنترپوپوسین مطرح یا دنبال شده اند به صورت تیتروار گردآوری و جدول بندی شده است. پس کاوی نظریات حوزه رسانه در نظریه پایه (معماری به مثابه رسانه) می تواند نظامی از دانایی را شکل دهد که در ادامه با ذکر مثال مفهوم آن واکاوی میگردد. (جدول ۱).

اپیستمه

میشل فوکو با اتکا به واژه یونانی اپیستمه نخستین بار در کتاب نظم اشیا به ساختارهای منظم ناخودآگاهی اشاره میکند که نهفته در پس اندیشه ها و کردارها، مقدمه تولید دانش علمی در یک عصر خاص می باشند. وی این واژه ابداعی را اینگونه تعریف می کند: "دانش در چارچوب قواعد اپیستمه شکل می گیرد و مفاهیم، نظریه ها و رشته ها سازمان یافته و تعریف می شوند" [۲۲]. اپیستمه، صورتی از دانش یا عقلانیت نیست بلکه مجموعه ی روابطی است که در یک عصر خاص می توان میان علوم یافت. بنابراین اپیستمه مجموعه ای از فرضیه های بنیادین یک جامعه در یک دوره ی زمانی خاص است که ناخودآگاه معرفت شناختی افراد آن جامعه را شکل داده و رژیمی از حقیقت ها را عرضه می کند که نظم گفتمان ها و کردار افراد را در موضوعات و حوزه های مختلف چون معماری و رسانه صورت می دهد و معنا می بخشد. "اپیستمه نوعی دانش نظام مند تعریف شده که بر شناسایی و تنظیم اصول علمی و فلسفی تمرکز دارد. این تعریف به نقش اپیستمه در ارزیابی معیارهای عقلانیت و حقیقت می پردازد" [۲۳]. در حقیقت در مقاطع مختلف تاریخی سامانی از دانایی (اپیستمه) حاکم است که فرهنگی گفتمانی، حاکم بر جامعه در پس آن وجود دارد و دلیلی برای پیگیری این سامان در دوره های دیگر نیست. فلذا از منظر فوکو هر عصری ویژگی های خود را دارد به همین سبب برای بیان دوره های تاریخی از نظر دانایی ازین مفهوم بهره می جوید. فلذا اپیستمه منظومه ای است از حاکمیت مناسبات و گزاره های مفهومی در یک عصر خاص که دانش ها از بطن آن رشد می کنند. بدین تعبیر اپیستمه نماد روح زمانه است. "این مفهوم در چارچوب معرفت شناسی اجتماعی بررسی شده و نشان داده شده که اپیستمه پایه ای برای اعتماد، شواهد، و ارزش های معرفتی در

را تکرار می‌کنند و تصویر واحدی را در آینه‌ی خویش باز می‌تابانند. فلذا در بسط و بازخوانی این مفهوم در محتوای پژوهش تبیین چند مشخصه ضروری است: اولاً علمی که در خصوص فرضیات و گزاره‌های آنها بحث می‌شود ثانیاً تشخیص عصر زمانی و ثالثاً مدل ارتباطی که این علوم با یکدیگر دارند

جوامع مختلف است. همچنین این نقش در علوم اجتماعی و فلسفه به عنوان یک الگو برای درک ماهیت و مرزهای دانش مطرح شده است [۲۴]. در حقیقت اپیستمه به عنوان سپهر معرفتی، علوم موجود در یک زمانه را چنان پیوند می‌دهد که گویی آنها علی رغم تعلق به حوزه‌های متفاوت، سخن واحدی

جدول ۱: نظریات تاریخی در عرصه رسانه در عصر آنترپوسین

نظریه پردازان و نظریات مطرح	چهارچوب نظری
هارولد اینیس: سوگیری ارتباطات (۱۹۲۷)-مارشال مک لوهان: رسانه، پیام است (۱۹۶۴)-والتر بنیامین: هنر و بازتولید مکانیکی (۱۹۳۶)-جان تامپسون: رسانه و مدرنیته (۱۹۹۵)-یورگن هابرماس: رسانه و حوزه عمومی (۱۹۶۲)-فردیناند تونیس: گمین شافت و گزل شافت (۱۸۸۷)-اف. آر. لیویس: تمدن توده وار (۱۹۲۷)-ریچارد هوگارت: فرهنگ توده وار (۱۹۵۷)-ریموند ویلیامز: فناوری و شکل فرهنگ (۱۹۷۴)	۱- نظریه ارتباطات و تحول تاریخی: رسانه و مدرنیته
نظریه کارکرد پیام‌های ارتباطی (۱۹۴۰)- نظریه تأثیر پیام‌های ارتباطی (۱۹۵۰)- نظریه تزریقی (۱۹۳۰)- نظریه استحکام یا تأثیر محدود (۱۹۸۴)- نظریه یادگیری اجتماعی و جامعه پذیری (۱۹۷۷)- نظریه برجسته سازی (۱۹۷۲)- نظریه ماریچ سکوت (۱۹۷۴)- نظریه کاشت (۱۹۷۶)- نظریه شکاف آگاهی (۱۹۷۰)- نظریه استفاده و رضامندی (۱۹۴۴)- نظریه وابستگی مخاطبان (۱۹۷۶)- نظریه ساخت اجتماعی واقعیت (۱۹۶۶)- نظریه چارچوب سازی (۱۹۸۴)	۲- نظریه اجتماعی- رفتاری کارکردها و آثار پیام‌های ارتباطی
نظریه مطبوعات آزاد (۱۹۹۰)- نظریه مسئولیت اجتماعی (۱۹۴۷)- نظریه رسانه‌های شوروی (۱۴۷۰)- نظریه رسانه‌های توسعه بخش (۱۹۶۰)- نظریه رسانه‌های دموکراتیک - مشارکت کننده (۱۹۷۰)	۳- نظریه هنجاری رسانه
فردینان دو سوسور و رولان بارت: زبان و اسطوره (۱۹۱۶)- ژاک لاکان: زبان و سوژه (۱۹۶۰)- لویی آلتوسر: ایدئولوژی و سوژه (۱۹۵۵)- گروه رسانه‌ای گلاسکو: ایدئولوژی خبر (۱۹۷۰)- جودیت ویلیامسون: ایدئولوژی آگهی (۱۹۷۸)- میشل فوکو: گفتمان و جامعه نظارتی (۱۹۷۰)	۴- نظریه ساختارگرایی و نشانه شناسی
اروینگ گافمن: معرفی خود (۱۹۵۹)- جاشوا میروویتز: بدون حس مکان (۱۹۸۶)- دونالد هورتون و ریچارد وهل شخصیت‌های رسانه‌ای و تعامل فرا اجتماعی (۱۹۵۶)- جان تامپسون: شبه تعامل رسانه‌ای شده (۱۹۹۵)- هوارد بکر و استانی کوهن: برچسب زنی و هراس اخلاقی (۱۹۶۳)- آنتونی گیدنز: ساخت یابی (۱۹۸۴)	۵- نظریه تعامل گرایی و ساخت یابی
فمینیسم لیبرال، سوسیالیستی و رادیکال (۱۹۳۰)- لورا مالوی: نگاه خیره مردانه (۱۹۷۵)- تانیا مودلسکی و جانیس رادوی: خیال پردازیهای تولید شده جمعی به وسیله زنان (۱۹۸۷)- آنجلا مک رابی: ایدئولوژی زنانگی جوان (۱۹۸۰)- آین انگ: لذت و ایدئولوژی فرهنگ توده (۱۹۹۰)- جودیت باتلر: آشفتگی جنسیت (۱۹۹۰)- پست فمینیسم و موج سوم (۱۹۹۰)- مردانگی در بحران (۲۰۰۰)	۶- نظریه فمینیستی رسانه: رسانه و جنسیت
نظریه اقتصاد سیاسی رسانه (۱۹۸۰)- ادوارد هرمان و نوام چامسکی: تولید رضایت (۱۹۸۸)- هربرت شیلر: اطلاعات و سرمایه داری (۱۹۷۶)- تئودور آدورنو و ماکس هورکهایمر: صنعت فرهنگ و فرهنگ توده (۱۹۴۴)- مطالعات پساستعماری (۱۹۷۸)- ارتباطات و امپریالیسم فرهنگی: سلطه غرب بر شرق (۱۹۷۰)- ادوارد سعید: گفتمان شرق شناسی (۱۹۷۸)	۷- نظریه اقتصاد سیاسی، صنعت فرهنگ و مطالعات پساستعماری
استوارت هال: رمزگذاری/ رمزگشایی و نظریه دریافت (۱۹۸۰)- دیوید مورلی: مخاطبان نیشن واید (۱۹۸۰)- رسانه‌ها و زندگی روزمره (۱۹۸۰)- مصرف گرایی و زندگی روزمره: نظریه مصرف (۱۹۸۹)- جان فیسک: مقاومت مصرف کننده (۱۹۸۹)- میشل دوسترو تاکتیک‌های روزمره (۱۹۸۴)- هنری جنکینز: یگماگران متن و هواخواهی (۱۹۹۲)- راجر سیلورستون: چرخه مصرف و تجربه رسانه‌ای شده (۱۹۹۰)- نیکولاس آبر کرامی و بریان لانگهرست: مخاطبان پراکنده و اقتدار مصرف کننده (۱۹۹۰)- پیر بوردیو: نظریه منش و میدان (۱۹۷۹)	۸- نظریه مخاطب: مطالعات فرهنگی و مخاطبان فعال
ژان بودریار فراواقعیت و وانمایی (۱۹۸۰)- دانیل بورشتاین و گی: دیور تصویر و نمایش (۱۹۶۱)- فردریک جیمسون: التقاط و بینامتنیت (۱۹۹۱)- ژان فرانسوا لیوتار: آفول فراورایت‌ها (۱۹۷۹)- جرج ریتزر: مک دونالدی شدن (۱۹۹۳)- اسکات لش: تمایززدایی (۱۹۹۰)	۹- نظریه پست مدرنیسم و ارتباطات رسانه، تصویر و وانمایی
مانوویچ: مضامین اصلی نظریه رسانه‌های جدید (۱۹۹۰)- انقلاب ارتباطات، همگرایی و تعامل (۲۰۰۰)- عصر دوم رسانه‌ها (۱۹۹۰)- کاستلز: جامعه اطلاعاتی (۱۹۸۰)- کاستلز: جامعه شبکه‌ای (۱۹۹۰)- کاستلز: جامعه توده‌ای به جامعه شبکه‌ای (۱۹۹۰)	۱۰- نظریه رسانه‌های جدید

عصر آنتروپوسین

عصر آنتروپوسین پیشوند اسمش را از انسان وام می‌گیرد و دوره‌ای است که بشر آغاز به بهره‌گیری انبوه از سوخت‌های فسیلی کرده است و فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی، به طور موثر و چشمگیری وضعیت اقلیمی و زیستی سیاره را تغییر داده است. در این دوره جمعیت زمین از کمتر از یک میلیارد نفر به بیش از ۷ میلیارد نفر رسیده است. مصرف مواد اولیه افزایش بسیار شتابناکی داشته است. فناوری‌های بسیاری پا به عرصه وجود گذاشته اند و رسانه‌های عصر دوم و سوم به زندگی بشر ورود کرده آن را تحت تاثیر بسیار قرار دادند، بنگاه‌های اقتصادی از شکل محلی خود خارج شده‌اند و به صورت شرکت‌های بزرگ چند ملیتی نظام اقتصادی جهان را دگرگون کرده‌اند. درین دوره نفوذ و تاثیر انسان به صورت نمایی افزایش یافت. این مرحله نه تنها شامل تغییرات سریع زمین شناختی است بلکه به معیارهای اجتماعی، اقتصادی و فرآیندهای بیوفیزیکی پسامردن هم اشاره دارد. اختلاف نظرهای فراوانی در خصوص تاریخ دقیق شروع این عصر وجود دارد. اما در سال ۲۰۱۹ کارگروه ویژه‌ای با ایده شروع آنتروپوسین از سال ۱۹۶۴ موافقت کرد. مقطع مورد نظر آنها درست مربوط به بازه‌ای از تاریخ بشر است که در آن جمعیت انسانی، فعالیت‌های اقتصادی و انتشار گازهای گلخانه‌ای در سرتاسر جهان شروع به افزایش سرسام‌آور کرده و آثار محسوسی از خود بر جای گذاشتند. اثراتی از جمله ایزوتوپ‌های پلوتونیوم ناشی از انفجارهای هسته‌ای، نیتروژن حاصل از کودها و خاکسترهای حاصل از نیروگاه‌ها. و بلاطبع سایر تغییرات فناوری و بنگاه‌های اقتصادی و... [۲۵]. عصر مورد نظر، بازه زمانی در جستار نظریات تاریخی حوزه رسانه است که تا به زمان اکنون ادامه داشته و برای تشخیص عصر زمانی در تبیین مفهوم اپیستمه فوکویی مد نظر پژوهش است.

امتزاج رسانه و معماری

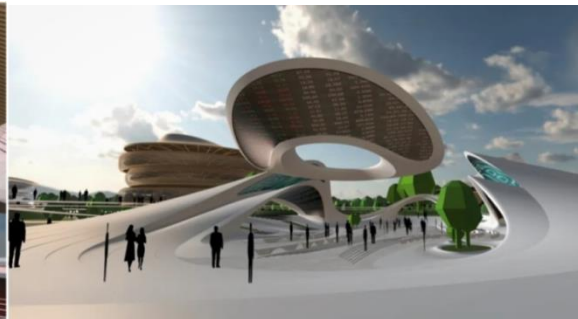
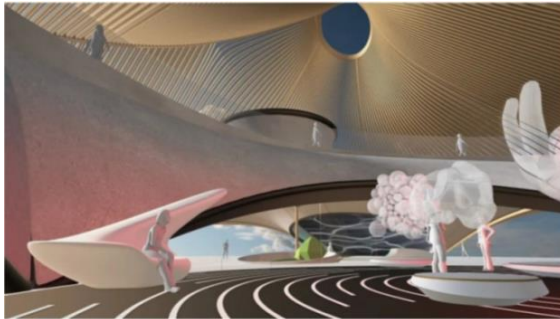
امتزاج در فرهنگ عمید به معنی ترکیب شدن چیزی با چیز دیگر است. در شیمی با ترکیب شدن دو یا چند جسم با یکدیگر به طوری که جسم ترکیب شده شبیه هیچ یک از اجسام تشکیل دهنده خود نباشد و جدا کردن جسم‌های آمیخته شده ممکن نباشد، معنی می‌یابد. در فلسفه و علم تاویل متون ازین واژه، گادامر در تبیین اندیشه امتزاج افق‌ها بسیار بهره می‌برد.

به زعم گادامر آنچه در هر عمل فهم یعنی آنچه در هر مواجهه با جهان رخ می‌دهد، رخدادی از جنس امتزاج است. برای او یگانه رابطه اصیل ممکن بین دو امر امتزاج آنها با یکدیگر است. امتزاج نیز رابطه‌ای است که در آن هر یک از طرفین از خود به در می‌آید و به سوی دیگری رهسپار می‌شود که هر چند غیر از خود اوست اما امکان نهایی خود اوست. آنچه گادامر در مفهوم امتزاج برجسته و غنی می‌یابد، انکار ارتباطی بین دو امر است که در ضمن آن یکی از آن دو ذیل دیگری در می‌آید. فهم یک متن نه تنها تعامل میان فرد و متن است، بلکه نوعی گفت‌وگو بین افق‌های تاریخی متفاوت است که از طریق آن فهم به یک فرایند دینامیک تبدیل می‌شود. این امر بیانگر تاثیر متقابل بین زمان حال و گذشته است [۲۶]. از سویی مطابق آنچه در تعریف مفهوم اپیستمه به ادبیات فوکو رفت، سخن از نوعی ارتباط است که علیرغم تعلق دو علم چون رسانه و معماری به حوزه‌های خود، در ارتباط با افق دیگری چونان ممزوج می‌گردند که گویی سخن واحدی را می‌رانند و در آینه خویش یکدیگر را می‌تابانند. بنظر می‌رسد در تشریح این مدل ارتباطی میتوان از مدل امتزاج گادامر بهره جست. نکته دیگر اینکه امتزاج فقط تنها زمانی امکان پذیر است که دو امر ممزوج همچنان اتمام نیافته و فرآیندی زنده را طی میکنند و متقابلاً پرتویی بر فهم یکدیگر می‌افکنند. در عصر رقابت رسانه ای حاضر یعنی آنتروپوسین دو دانش رسانه و معماری نه تنها پایانی بر آنها مترتب نیست بلکه با روندی تصاعدی به سوی آینده در حال حرکتند. همچنین مهمترین جنبه امتزاج آنست که در هر رابطه اصیلی مثل فهم، تنش میان دو امر از بین نرفتنی و هر دو امر در حال بسط و خروج از یکدیگرند و این بسط و خروج را پایان ناپذیر است. فهم همیشه مشروط به تاریخ است، زیرا ما به عنوان مفسرین، در افقی تاریخی قرار داریم که بر درک ما تاثیر می‌گذارد. با این حال، فرایند فهم به واسطه تعامل میان افق‌ها، امکان گسترش و تغییر را فراهم می‌کند. این تعامل، فضای گفت‌وگویی برای معنا فراهم می‌کند که در آن هیچ افقی به تنهایی حاکم نیست [۲۷].

برای ملموس تر کردن مدل ارتباطی رسانه و معماری در عصر آنتروپوسین میتوان به مثالی از طراحی معماران مطرح جهان چون دفتر زاها حدید برای عرصه نوین رسانه ها چون فضای

امتزاج به فهم گادامر رخ میدهد که هر دو در حال بسط و خروجند. نظر به سرعت بالای روند این امتزاج، پرداخت های نظری درین حوزه ضروری بنظر میرسد.

متاورس نام برد. حضور مجازی درین فضاها ادراکی نوین از مضامین زمان و مکان در عصر آنترپوسین به کاربر میدهد که آن را صرفاً نمیتوان معماری یا رسانه نامید بلکه نوعی



شکل ۲- راست: طراحی پلازای مرکزی برای فضای متاورس، طراحی دفتر زها حدید. مثالی از امتزاج رسانه با معماری در عصر رسانه‌ای آنترپوسین. [۲۸]
شکل ۲- چپ: طراحی فضای نمایشگاهی برای فروش ان اف تی‌ها در فضای متاورس-طراحان دفتر زها حدید ۲۰۲۲. [۲۸]

قادر به تولید ایده‌های جدید نیستند و تنها فرایند استنتاجی که می‌تواند به کشف ایده‌های نو کمک کند، پس‌کاوی یا استنتاج به بهترین تبیین است. این دیدگاه پیرس بیانگر نقش منحصر به فرد پس‌کاوی در فرایند خلاقانه تفکر و نظریه‌پردازی است [۲۹]. از نظر پیرس، تفاوت اصلی بین استقرا و پس‌کاوی آن است که "استدلال پس‌کاوی نه صرفاً یک فرآیند قیاسی یا استقرایی است، بلکه به عنوان روشی برای تولید فرضیه‌ها تمایز می‌یابد. پیرس استدلال می‌کند که پس‌کاوی نیازمند یک جهش خلاقانه است که در آن فرد یک توضیح احتمالی برای پدیده‌ی مشاهده‌شده ارائه می‌دهد. در مقابل، استقرا به آزمایش و تعمیم فرضیه‌ها از طریق جمع‌آوری شواهد پشتیبان می‌پردازد. بنابراین، در حالی که استقرا به دنبال تأیید است، پس‌کاوی فرایند کشف را با پرداختن به این سؤال که چرا یک واقعیت خاص ممکن است صحیح باشد، آغاز می‌کند" [۳۰]. فلذا پس از سپری کردن دو گام اول و دوم قیاس و استقرا در نقش مکانیکی و ارتباط دو بستر معماری و رسانه، مفاهیمی اولیه اخذ می‌شوند. (ستون سوم در جدول ۲) که ادراکات مفهومی آن مستلزم، فرآیند پس‌کاوی است و درینجا پژوهش وارد گام سوم پیرس می‌شود. "استدلال پس‌کاوی، همان گونه که پیرس آن را مطرح می‌کند، صرفاً یک عملیات منطقی نیست، بلکه شامل جهشی غریزی و تخیلی است که انسان‌ها را قادر می‌سازد فرضیه‌هایی درباره‌ی ناشناخته‌ها ایجاد کنند. این غریزه‌ی شناختی برای کشف‌های

یافته‌ها

هدف اصلی مبحث، تحلیل و پردازش در حوزه رسانه‌ای خواهد بود. با هدف تبیین و پیش‌بینی نحوه ساز و کار رسانه معماری با سایر رسانه‌ها در عصر حاضر، فرایند با شیوه قیاس و استقراء آغاز گردیده تا شاه کلید شروع مبحث به دست آید. در رویکرد پس‌کاوی نوآوری در تبیین سوال ماهیت نوع پژوهش را زیر سوال نمی‌برد. فلذا پژوهش حاضر با ساختاری درختی از قیاس و استقرا آغاز می‌شود. پس از بررسی مدل‌های گوناگون روش شناسی از مدل پیرس که در پارادایم نوپراگماتیسم و در روش‌های ترکیبی استفاده می‌شود بهره گرفته شد. نظریه‌های حوزه رسانه از سال ۱۹۶۴ یعنی شروع عصر آنترپوسین از سویی و همچنین نظریات حوزه معماری به مثابه داده مورد تحلیل در این پژوهش، به شیوه قیاسی و استقرایی نتایج اولیه را اخذ می‌کنند. (نمودار ۲)

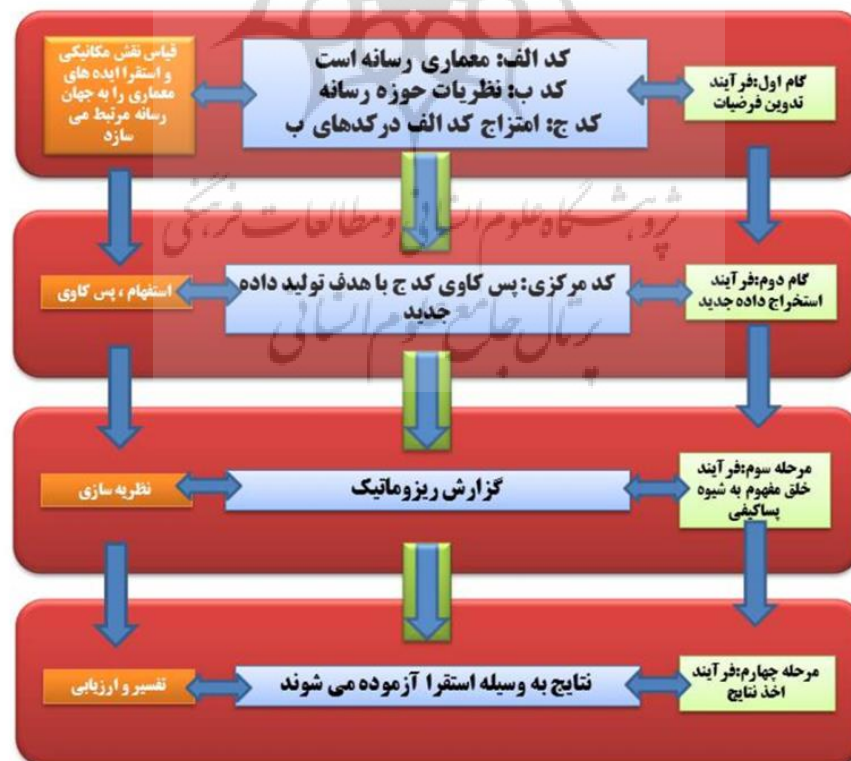
داده‌ها متناسب با اندیشه پژوهشگر و متناسب با بستر پس‌کاوی و به کارگیری خلاقیت محقق انتخاب شده است. پیرس تحقیق علمی را مستلزم قیاس، استقرا و پس‌کاوی میدانند که در آن قیاس نقش مکانیکی، استقرا ارتباط ایده‌ها به جهان طبیعی یا اجتماعی و سرانجام پس‌کاوی مهمترین گام در تحقیق را بر می‌دارد. فلذا با جایگذاری داده‌ی معماری به مثابه رسانه در نظریات تاریخی رسانه، گزاره‌های قیاسی خلق می‌شوند و استقرا ارتباط بستر معماری با دنیای رسانه را می‌سازد. اما مطابق نگاه پیرس "استقرا و قیاس به دلیل ماهیت خود

می‌شوند و نتایج با خلاقیت پژوهشگر در نظریه ورزی تبیین و یا پیش بینی خواهند شد.

به طور مثال نظریه شاخص مک لوهان می‌گوید رسانه پیام است (ستون اول جدول ۲) با توجه به فرض حتمی معماری به مثابه رسانه (ستون دوم جدول ۲)، در این گزاره نتیجه اولیه این خواهد بود که معماری پیام است (ستون سوم جدول ۲) اما تفسیر مفهوم گزارش مک لوهان در بستر رسانه‌ها و همین‌طور تفسیر استقرار جدید یعنی معماری پیام است، مستلزم ادراکات مفهومی درین گزاره و در میدان پژوهشی پساکفیست که در آن پژوهشگر به عنوان بخشی تنیده در تحقیق، گزاره را با نسبت و روایت جدید تبدیل به داده‌ای جدید خواهد کرد و از آن مفاهیم و نظریات جدیدی اتخاذ می‌نماید (ستون چهارم جدول ۲). با تعمیم نظریه پذیرفته شده درین پژوهش یعنی معماری به مثابه رسانه در نظریات جدول ۱ به مجموعه‌ای از سلسله گزاره‌ها و ادراکات مفهومی خواهیم رسید که امکان تحقق ایپستمه را در چهارچوب امتزاج رسانه و معماری میسر می‌سازد که برخی از موارد آن ذکر گردیده است (جدول ۲).

علمی حیاتی است و نمایانگر تعامل منحصربه‌فردی میان منطق و خلاقیت در نظریه‌پردازی است. [۳۱]. جمله پایانی پیرس در نیافتن پاسخ چگونگی حل مسئله در نظریه ورزی، در رویکرد پسا کیفی و با نگاه نقش خلاقانه پژوهشگر در این رویکرد قابل پاسخ دهی است. درین جا تحلیل داده‌ها بستر در هم تنیدگی نظریات برای خلق مفاهیم نوین است. داده ها (درین پژوهش نظریات حوزه رسانه و معماری) به واسطه مفاهیمی که بین آنها ایجاد می شود به هم کوک می‌خورند. آنچه درین رویکرد مهم است تغییر نقش پژوهشگر می باشد. "پژوهشگر دیگر سوژه دکارتی نیست که متن را به حرکت درآورد بلکه او نیاز دارد که از داده‌ها تاثیر بگیرد و امکان فکر کردن برای او بوجود آید. رسیدن پژوهشگر به مقام سوژه دانای کل در پژوهش پساکیفی، دیگر اساسی برای تولید دانش نیست" [۳۲]. نتایج پژوهش دستاوردهای موجود در ادبیات موضوع [۳۳-۵۰] را تایید می نماید که این مهم نشان از روایی و پایداری پژوهش است. از این پس مطابق با نوع نگاه داده‌های پژوهش در این دو حوزه به مثابه یک ریزوم مرتبط

نمودار ۲: مثالی از مرحله تولید داده



جدول ۲: گزاره‌های حاصل از نظریه پذیرفته شده در پژوهش در حوزه رسانه و نتایج مفهومی به شیوه پساکیفی

نظریات تاریخی در حوزه رسانه [۲۳]	نظریه پذیرفته شده در پژوهش	تولید داده به شیوه پیرس	خلق مفهوم با رویکرد پساکیفی
مک لوهان: رسانه پیام است	معماری رسانه است	معماری پیام است	فرم معماری می تواند نتیجه پیامی باشد که معماری در پی انتقال آن به کاربر است Form Follows Message
والتر بنجامین: نظریه هنر و بازتولید مکانیکی - مرگ هاله هنری بر اثر تولید مکرر توسط رسانه‌ها و از بین رفتن قداست اثر هنری-هنر کارکردی اجتماعی یافت	معماری رسانه است	مرگ هاله هنری معماری بر اثر بازتولیدپذیری مکانیکی و امکان تصرف در آن	بسط مبانی نظری معماری تعاملی و تحقق بازتولید پذیری ادراکات مکانی معماری توسط عصر سوم رسانه‌ها چون متاورس.
یورگن هابرماس: حوزه عمومی رسانه تاثیرگذار تاریخی بوده است. همچون سالن‌ها در فرانسه. محافل ادبی المان. قهوه خانه‌ها در انگلستان	معماری رسانه است	معماری: رسانه تاثیرگذار تاریخی	خلق فضاهای جمعی و مشارکتی به مثابه رسانه، کارکرد اجتماعی و انتقادی موثر خواهد داشت.
میروویتز: رسانه‌های مدرن موجب تضعیف حس مکان شده‌اند و از اهمیت حضور فیزیکی در تجربه مردم و رویدادها کاسته است	معماری رسانه است	معماری در مفهوم عام یک رسانه سنتی از نسل اول رسانه هاست	معماری نیز چون سایر رسانه‌ها باید از مفهوم رسانه سنتی عبور کند و مفهوم رسانه نوین به خود بگیرد در غیر اینصورت سایر رسانه‌های مدرن با غلبه بر نیاز به حس مکان عینی بر رسانه سنتی معماری چیره میشوند و بسیاری از فضاهای معماری مثل مدارس، بانک‌ها و... از میان خواهند رفت.

بحث و نتیجه گیری

رجوع به اندیشه‌های فلسفی و تاریخی به عنوان محرک اندیشه و پشتیبان نظریه ورزی، سنتی پیشین و مستمر در تاریخ نظریه پردازی معماری بوده است و این امر تحول اندیشه‌های فلسفی را تبدیل به نیرویی موثر در تحول اندیشه‌های معماری کرده است. با این وصف بازخوانی مفهوم اپیستمه فوکویی در نظریه ورزی معماری معاصر امکان خوانش‌های مجدد مبتنی بر خلق مفاهیم را در حوزه‌های میان رشته‌ای از معماری و رسانه، که هر دو در بطن خود طیف گسترده‌ای از دانش‌های بشری را در بر می‌گیرند، فراهم می‌سازد. فلذا مطابق آنچه از یافته‌های تحلیلی در بازخوانی مفاهیم جدید رفت، از مجموعه چند حکم در کنار هم یک صورت بندی و شبکه دانایی مربوط به آن روال‌ها تشکیل می‌شود (جدول ۲).

که به آن اپیستمه گفته می‌شود. به تعبیر دیگر آرایش‌های گفتمانی و روابط فی مابین که برای تحلیل به سراغ آنها می‌رویم همان اپیستمه است. اپیستمه درین جا نه مجموع

دانشه‌های این عصر بلکه مجموعه‌ای پیچیده‌ای از روابط میان دو دانش معماری و رسانه در عصر آنترپوسین و قوانینی است که از طریق آن دانش‌های جدید شکل می‌گیرند. با واکاوی مفهوم نوین میتوان مشابتهایی یافت به نحوی که دو علم معماری و رسانه، به رغم اینکه با موضوعات مختلفی سرو کار دارند در سطح مفهومی و نظری واحدی فعالیت می‌کنند. به تعبیر دیگر مفهوم نوین رژیم از دانایی و معرفت است که درین مبحث رسانه و معماری را در عصر جهش رسانه‌ای معاصر یعنی آنترپوسین چونان در مدلی ارتباطی که گادامر آن را امتزاج می‌خواند مرتبط می‌سازد که گویی سخن واحدی را میرانند. مضافا رویکرد پساکیفی درین پژوهش به دنبال ترسیم نقشه‌ای ریزوماتیک از روابط حاضر در اپیستمه برای تولید دانش جدید به عنوان میراث معماری معاصر است. درین نگاه با نقد تقلیل واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی رسانه و معماری به ساختارهای زبانی و معنایی، به دنبال میدان روابطی هستیم که امکان روایت‌های جدید و ایده‌های تازه را

فراهم می‌گردد. آینده معماری و رسانه در ایران بر پایه‌ی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تولید مفاهیم نو شکل خواهد گرفت. این مسیر، مستلزم گسترش تحقیقات پساکیفی است که امکان روایت‌های بدیل و نوآورانه را در بستر پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم آورد. بدین ترتیب، خلق مفاهیم جدید نه تنها افق‌های فکری را گسترش می‌دهد، بلکه ابزارهای لازم برای ساخت آینده‌ای پایدار و معنادار را نیز در اختیار می‌گذارد. این اندیشه‌های نوین نه تنها به عنوان میراثی نظری از معماری معاصر کلاسه بندی می‌شوند، بلکه با ایجاد بستری بنیادین و ساختارمند، ظرفیت لازم برای سایر بسترهای نظری در معماری چون نقد پساختارگرایانه بر آثار معماری که درین عصر شکل خواهند گرفت را فراهم می‌کنند. نقدی که مبتنی بر اپیستمه دوران که در امتزاج با رسانه‌های نوین شکل گرفته است، نیازهای عصر کنونی را در نظر می‌گیرد. مضافاً هر یک از این گزاره‌های اپیستمه به تفصیل قابل واکاوی و تحلیل است که در بطن خود ادراکاتی عملیاتی در حوزه طراحی، بروز و ساخت ارایه خواهد داد که مستلزم پژوهش‌های متعاقب خواهد بود.

فراهم آورند. بدین معنا که ارتباطات در میدان پژوهش موجود همانند ریشه‌های گیاه شاخه شاخه شده و باهم در پیوندند (شکل ۵). در این راستا، نقد تقلیل‌گرایی و رویکردهای پساختارگرایانه، راه را برای نگاه ریزوماتیک می‌گشاید؛ رویکردی که به جای خطوط مستقیم و قطعی، بر شاخه‌های ارتباطی پیچیده و چندلایه میان معماری و رسانه تأکید دارد. چنین نگاهی، نقشه‌ای از روابط بینارشته‌ای ارائه می‌دهد که در آن مفاهیم و ایده‌های جدید زاده می‌شوند. از سوی دیگر، نظریه‌پردازان معاصر ایرانی نظیر داراب دیبا، سیمون ایوازیان، دکتر بمانیان، دکتر پورجعفر و... نیز بر اهمیت بازخوانی مفاهیم بومی در کنار چارچوب‌های جهانی تأکید دارند. در زمینه معماری و رسانه، این نظریه‌پردازان می‌توانند نقش کلیدی در ترجمه و بومی‌سازی این مفاهیم برای پاسخ به نیازهای جامعه ایران ایفا کنند. به ویژه، در شرایطی که ایران با چالش‌هایی همچون هویت‌یابی معماری در عصر رسانه و تکنولوژی روبروست، بازخوانی مفاهیم نظری چون اپیستمه، می‌تواند به خلق دانش‌های جدید بومی منجر شود که ضمن حفظ ریشه‌های فرهنگی، پاسخگوی تحولات جهانی نیز باشد. پایان سخن اینکه آینده بر اساس دانش امروز ساخته می‌شود. با خلق مفاهیم نو امکان اندیشه‌های جدید برای ساخت آینده

اپیستمه معماری در امتزاج با رسانه در عصر آنترپوسین



شکل ۳: مدل گزارش اپیستمه معماری در امتزاج با رسانه در عصر آنترپوسین

تشکر و قدردانی: این مقاله برگرفته از رساله دکتری الهه فارغ با عنوان "تبیین مدل مفهومی اپیستمه معماری در امتزاج با رسانه در عصر آنتروپوسین" می‌باشد که به راهنمایی اول آقای دکتر سیامک پناهی و راهنمایی دوم خانم دکتر عترت لعل بخش و مشاوره آقای دکتر محمود رضایی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در حال انجام است.

تأییدیه‌های اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله: نویسنده اول الهه فارغ، تهیه متن اولیه، تهیه محتوای علمی تحقیق ۷۰٪، نویسنده دوم آقای دکتر سیامک پناهی، ایده پردازی و تهیه کانسپت پژوهش اولیه مقاله ۱۰٪، و راهنمای دوم خانم دکتر عترت لعل بخش کنترل ارجاعات، تحلیل ادبیات موضوع و کنترل تحلیل‌های پژوهش ۱۰٪ و مشاوره آقای دکتر محمود رضایی کنترل ارجاعات، تحلیل ادبیات موضوع و کنترل تحلیل‌های پژوهش ۱۰٪ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در حال انجام است.

منابع مالی/حمایتها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

References

- [1]. Logan RK. McLuhan's philosophy of media ecology: An introduction. *Philosophies*. 2016; 1(2): 133–40. <https://doi.org/10.3390/philosophies1020133>
- [2]. Nesbitt K. Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of Architectural Theory 1965–1995. Princeton architectural press; 1996. <https://archive.org/details/theorizingnewage0000unse/page/n9/mode/2up>
- [3]. Wang M, Xie Y, Guo X, Fu H. Interdisciplinarity in the Built Environment: Measurement and Interdisciplinary Topic Identification. *Buildings*. 2024; 14(12): 3718. <https://doi.org/10.3390/buildings14123718>
- [4]. Keane J, Selinger E. Architecture and philosophy: Reflections on Arakawa and Gins. *FOOTPRINT*. 2008; 135–42. <https://doi.org/10.7480/footprint.2.2.691>
- [5]. Pipere A, Mārtinson K. Shaping an Image of Science in the 21st Century: The Perspective of Metamodernism. *Societies*. 2023; 13(12): 254. <https://doi.org/10.3390/soc13120254>
- [6]. Al-Rodhan N. Why Architects Need Philosophy to Guide the AI Design Revolution. *JSTOR Daily*. 2024. <https://daily.jstor.org/why-architects-need-philosophy-to-guide-the-ai-design-revolution/>
- [7]. Olkowski DE. Deleuze, Collaborations with Félix Guattari. In: Deleuze, Gilles (1925–95). In *The Routledge Encyclopedia of Philosophy*. 1998. <https://doi.org/10.4324/9780415249126-DE007-1>
- [8]. Parker S. Reflective teaching in the postmodern world. 1st ed. London: Routledge; 1997. <https://archive.org/details/reflectiveteachi0000park>
- [9]. Srnicek N, Bryant L, Harman G. Towards a Speculative Philosophy. *The Speculative Turn: Continental Materialism and Realism*. Re.press. 2011; 1–19. <https://kclpure.kcl.ac.uk/portal/en/publications/towards-a-speculative-philosophy>
- [10]. St. Pierre EA. Writing post qualitative inquiry. *Qualitative inquiry*. 2018; 24(9):603–8. <https://doi.org/10.1177/1077800417734567>
- [11]. St. Pierre EA, Jackson AY. Qualitative data analysis after coding. *Qualitative inquiry*. 2014; 20(6): 715–9. <https://doi.org/10.1177/1077800414532435>
- [12]. Eco U. 2. Function and Sign: Semiotics of Architecture. In: Gottdiener M, Lagopoulos A (ed.) *The City and the Sign: An Introduction to Urban Semiotics*. New York Chichester, West Sussex: Columbia

- University Press; 1986. 55–86.
<https://doi.org/10.7312/gott93206-004>
- [13]. Mathew A. Architecture as a Communicative Medium. *Enquiry The ARCC Journal for Architectural Research*. 2008; 5(1).
<https://doi.org/10.17831/enq:arcc.v5i1.23>
- [14]. Monserrat-Gauchi J, Novo-Domínguez M, Torres-Valdés R. Interrelations between the media and architecture: Contribution to sustainable development and the conservation of urban spaces. *Sustainability*. 2019; 11(20): 5631.
<https://doi.org/10.3390/su11205631>
- [15]. Jelić A, Tieri G, De Matteis F, Babiloni F, Vecchiato G. The enactive approach to architectural experience: A neurophysiological perspective on embodiment, motivation, and affordances. *Frontiers in psychology*. 2016; 7: 481.
<https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.00481>
- [16]. Abdulzahra G.N., Al Greiza, A.A.H. The coexistence of opposites in contemporary architecture. *International Journal of Design & Nature and Ecodynamics*, 2024; 19(2): 553–561.
<https://doi.org/10.18280/ij dne.190221>
- [17]. <https://archdaily.com/611169/ad-classics-at-and-t-building-philip-johnson-and-john-burgee/5488b705e58eac6a00004e-adjing-dian-mei-guo-dian-hua-dian-bao-da-lou-at-and-t-building-fei-li-pu-star-yue-han-xun-he-yue-han-star-bo-ji-tu-xiang>
- [18]. Lyotard JF. The Postmodern Condition: A Report on Knowledge. Manchester University Press. 1984.
<https://archive.org/details/theory-and-history-of-literature-jean-francois-lyotard-postmodern-condition-the->
- [19]. Levin I, Mamlok D. Culture and society in the digital age. Information. 2021;12(2):68.
<http://doi.org/10.3390/info12020068> DOI:
- [20]. Jencks C. Postmodern and late modern: The essential definitions. *Chicago Review*. 1987; 35(4): 31–58.
<https://doi.org/10.2307/25305377>
- [21]. Miike Y. An Asiatic reflection on Eurocentric bias in communication theory. *Communication Monographs*. 2007; 74(2): 272–8.
<https://doi.org/10.1080/03637750701390093>
- [22]. Foucault M. The Archaeology of Knowledge. Translated by A.M. Sheridan Smith. London: Routledge; 2002.
<https://doi.org/10.4324/9780203604168>
- [23]. Pritchard D. Anti-luck epistemology. *Synthese*. 2007; 158(3): 277–97.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s11229-006-9039-7#Bib1>
- [24]. Fricker M. Epistemic injustice: Power and the ethics of knowing. *Oxford University Press*; 2007.
https://www.academia.edu/33625361/Fricke_r_Epistemic_Injustice_Power_and_the_Ethics_of_Knowing
- [25]. Lewis SL, Maslin MA. Defining the anthropocene. *Nature*. 2015; 519(7542):171–80.
<https://doi.org/10.1038/nature14258>
- [26]. Gadamer HG. Truth and Method, translation revised by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall. Ed. Wahrheit und Methode. London: Continuum Intl Pub Group. 1989.
<https://archive.org/details/truthmethod0002e dgada/mode/1up>
- [27]. Malpas J, editor. Gadamer and Ricoeur: Critical horizons for contemporary hermeneutics. Notre Dame Philosophical Reviews. [Accessed December 2024].
<https://ndpr.nd.edu/reviews/gadamer-and->

- ricoeur-critical-horizons-for-contemporary-hermeneutics/
- [28]. <https://dezeen.com/2022/03/11/liberland-metaverse-city-zaha-hadid-architects/>
- [29]. Blachowicz J. Ampliative abduction. *International Studies in the Philosophy of Science*. 1996; 10(2): 141–57. <https://doi.org/10.1080/02698599608573535>
- [30]. Pietarinen AV, Bellucci F. *The Cambridge Companion to Peirce*. New York: Cambridge University Press. 2004. <https://philpapers.org/rec/MISTCC>
- [31]. Beckwith A. C.S. Peirce and Abduction Inference. *JCCC Honors Journal*. 2019; 10(1): 2. https://scholarspace.jccc.edu/honors_journal/vol10/iss1/2
- [32]. Gerrard J, Rudolph S, Sriprakash A. The politics of post-qualitative inquiry: History and power. *Qualitative inquiry*. 2017; 23(5): 384–94. <https://doi.org/10.1177/1077800416672694>
- [33]. Diba D. Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*. 2012 May;82(3):70-9. <https://doi.org/10.1002/ad.1406>
- [34]. Diba D. L'Iran et l'architecture contemporaine. *Mimar* (Singapore). 1991;38:20-25. [French] Available at: francis.inist.fr/vibad/index.php?action=getRecordDetail&idt=19648743
- [35]. Mahdavejad M, Hosseini SA. Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker Architecture prize (1977–2017). *Journal of Architecture and Urbanism*. 2019 Feb 1;43(1):71-90. <https://doi.org/10.3846/jau.2019.5209>
- [36]. Abedini H, Ayvazian S, Diba D. Explaining the Theoretical Model for the Role of Architecture in Enhancing the Physical Qualities of Public Spaces as Contemporary Urban Heritage. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2024; 14(3):43-62. [Persian] Available at: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-75267-fa.html>
- [37]. Ahmadi M, Ansari M, Bemanian M. Geometric Data Mining and Shape Grammar of Relationship between House and Islamic Iranian Lifestyle. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021 Apr 10;11(1):1-14. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1400.11.1.6.9>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-47403-en.html>
- [38]. Bolouhari S, Barbera L, Etesam I. Learning Traditional Architecture for Future Energy-Efficient Architecture in the Country; Case Study: Yazd City. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2020 Sep 10;10(2):85-93. [Persian] <https://dori.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.2.3.1>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-39832-en.html>
- [39]. Damir M, Oevermann H, Meyer M, Mahdavejad M, Elmouelhi H. Sites of Modern Industrial Heritage in Egypt and Iran: Local, National, and International Relevance for Conservation and Reuse. *Docomomo Journal*. 2024 Jul 1(71):4-12. <https://doi.org/10.52200/docomomo.71.02> Available at: <https://docomomojournal.com/index.php/journal/article/view/467>
- [40]. Dezfuli RR, Bazazzadeh H, Taban M, Mahdavejad M. Optimizing stack ventilation in low and medium-rise residential buildings in hot and semi-humid climate. *Case Studies in Thermal Engineering*. 2023 Oct 28;103555. <https://doi.org/10.1016/j.csite.2023.103555> Available at:

- <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2214157X23008614?via%3Dihub>
- [41]. Dezfuli RR, Mehrakizadeh M, Najar BS, Bazazzadeh H, Mahdaveinejad M. Geometric investigation of entrance proportions of houses from the Qajar to the beginning of the early Pahlavi in Dezful City (1789–1979). *Frontiers of Architectural Research*. 2024 Feb 1;13(1):57-78. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2023.09.007> Available at: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2095263523000870?via%3Dihub>
- [42]. Diba D, Dehbashi M. Trends in modern Iranian architecture. *J Iran Archit Chang Soc*. 2004;31-41. Available at: <https://b2n.ir/a12379>
- [43]. Esmaeilian Toussi H, Etesam I, Mahdaveinejad M. The Application of Evolutionary Algorithms and Shape Grammar in the Design Process Based upon Traditional Structures. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2021 May;18(95):19-36. <https://doi.org/10.22034/BAGH.2019.161797.3914>
- [44]. Gharaati F, Mahdaveinejad M, Nadolny A, Bazazzadeh H. Sustainable Assessment of Built Heritage Adaptive Reuse Practice: Iranian Industrial Heritage in the Light of International Charters. *The Historic Environment: Policy & Practice*. 2023 Oct 4:1-35. <https://doi.org/10.1080/17567505.2023.2261328>
- [45]. Ghomeshi M, Pourzargar M, Mahdaveinejad M. A Healthy Approach to Post-COVID Reopening of Sugar Factory of Kahrizak, Iran. In *INTERNATIONAL SYMPOSIUM: New Metropolitan Perspectives 2022* (pp. 2638-2647). Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-06825-6_252
- [46]. Kamelnia H. Community Architecture Approach in Cluster Housing Design; Assessing Methods of Participation in Contemporary Housing Design. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2013 Oct 10;3(2):63-73. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1392.3.2.1.0>
- [47]. Jencks C. Why Critical Modernism?. *Architectural Design*. 2007 Sep;77(5):140-5. <https://doi.org/10.1002/ad.534>
- [48]. Jencks C. The iconic building is here to stay. *City*. 2006 Apr 1;10(1):3-20. <https://doi.org/10.1080/13604810600594605>
- [49]. Jencks C. What then is post-modernism?. *The post-modern reader*. 2010 May 10:14-37. Available at: https://medien.ubitweb.de/pdfzentrale/978/047/074/Leseprobe_1_9780470748671.pdf
- [50]. Jencks C. *Le Corbusier and the continual revolution in architecture*. (No Title). 2000 Dec. Available at: <https://cir.nii.ac.jp/crid/1130282272389424896>